[زندگی نامه امام علی النقی الهادی (ع)](http://fa.tabrizi.org/1394/02/01/%d8%b2%d9%86%d8%af%da%af%db%8c-%d9%86%d8%a7%d9%85%d9%87-%d8%a7%d9%85%d8%a7%d9%85-%d8%b9%d9%84%db%8c-%d8%a7%d9%84%d9%86%d9%82%db%8c-%d8%a7%d9%84%d9%87%d8%a7%d8%af%db%8c-%d8%b9/)

امام علی بن محمد الهادی علیه السلام در نیمه ذی الحجه سال ۲۱۲ق نزدیک شهر مدینه در روستای صریا، چشم به دنیا گشود و در ماه رجب سال ۲۵۴ق در سرّ من رأی (سامرا) توسط معتز عباسی به شهادت رسید. ایشان پس از پدر بزرگوارش ۳۳ سال امامت شیعیان را بر عهده داشتند.[۱]

نام مادر آن حضرت سمانه مغربیه بود[۲]؛ البته مدنب، حدیث و غزال هم گفته‌اند.[۳]

لقب‌های آن حضرت را نقی، هادی، امین، طیب، ناصح، مرتضی و… ذکر کرده‌اند. کنیه‌اش ابوالحسن است و به ایشان ابوالحسن ثالث می‌گویند.[۴]

امام هادی علیه السلام از آغاز امامت در مدینه حضور داشتند و در مدت اقامت در این شهر نقش بسیار مهمی در رهبری شیعیان ایفا کردند؛ به‌طوری که حکومت عباسی از موقعیت ممتاز امام احساس خطر کرده و حضور ایشان در مدینه را به صلاح ندانست، متوکل برای کنترل بیشتر امام علیه السلام تصمیم گرفت ایشان علیه السلام را از مدینه به سامرا منتقل کند. در سال ۲۳۳ ق بنابه گزارش‌هایی که جاسوسان از فعالیت‌های امام علیه السلام داده بودند، متوکل به یحیی بن هرثمه مأموریت داد تا این انتقال را انجام دهد. با ورود یحیی بن هرثمه به مدینه، مردم که سخت مشتاق و شیفته امام خود بودند، اعتراض خود را علنی کردند؛ به‌طوری که یحیی بن هرثمه اعلام کرد که کاری به امام علیه السلام ندارد و هیچ خطری امام علیه السلام را تهدید نمی‌کند. پس از مدتی به بهانه این که در منزل امام بر علیه حاکم عباسی سلاح جمع آوری می‌شود به خانه امام علیه السلام حمله بردند، ولی چیزی جز قرآن و ادعیه نیافتند. جالب اینکه خود یحیی بن هرثمه پس از بازگشت می‌گوید: «چیزی جز بزرگواری، ورع، زهد و شجاعت در او نیافتم».[۵]

متوکل در ساعات اولیه ورود امام به سامرا به شکلی اهانت آمیز با امام برخورد کرد و نه تنها به استقبال حضرت نیامد، بلکه دستور داد ایشان را در محلی که مخصوص گداها بود و به «خان الصعالیک» شهرت داشت، وارد کنند. بعد از استقرار امام هادی علیه السلام در سامرا تمامی رفت و آمدها و ارتباطات امام تحت کنترل بود و به محض شنیدن اینکه امام علیه السلام از اموال و سلاح شیعیان نگهداری می‌کند، نظامیان شبانه به خانه امام علیه السلام هجوم می‌بردند؛ ولی چیزی به‌دست نمی‌آوردند.

در طول مدت حضور امام علیه السلام در سامرا هر روز بر عظمت و محبوبیت آن حضرت افزوده می‌گشت و همه ناخواسته در برابر امام علیه السلام متواضع و خاشع بودند و سخت محترمش می‌داشتند.[۶] البته نفوذ امام منحصر به شیعیان نبود و شامل درباریان عباسی هم می‌شد. حتی اهل کتاب هم به امام علیه السلام احترام می‌گذاشتند.

متوکل وقتی در اقدامات خود علیه امام علیه السلام ناکام ماند، به نزدیکان خود اعلام کرد که در کار امام هادی علیه السلام درمانده شده است؛ از این رو به محدودیت و فشار اکتفا نکرد و تصمیم به کشتن امام علیه السلام گرفت و حتی اقداماتی هم انجام داد؛ اما پیش از آنکه موفق شود، خود به هلاکت رسید.[۷]

برخی از اقدامات امام هادی علیه السلام

ایجاد آمادگی فکری شیعیان جهت ورود به عصر غیبت

فراهم کردن زمینه ورود شیعه به عصر غیبت، از اقدامات اساسی امامان شیعه علیه السلام بود، که همواره شیعیان را متوجه این امر می‌کردند. در این راستا امام هادی علیه السلام هم اقداماتی انجام داده‌اند:

الف) بیان روایات فراوان در مورد فرا رسیدن و نزدیک بودن عصر غیبت؛

ب) بشارت به ولادت حضرت حجت ومخفی بودن ولادت و هشدار این که مبادا مخفی بودن باعث تردید شما شیعیان گردد؛

ج) کم کردن تماس مستقیم شیعیان با حضرت؛ به‌طوری که در سامرا مسائل شیعیان از طریق نامه یا نمایندگان حضرت پاسخ داده می‌شد؛ تا از قبل برای شرایط و تکالیف عصر غیبت و ارتباط غیر مستقیم با امام آمادگی داشته باشند؛[۸]

د) تأیید برخی از کتب فقهی و اصول روایی شیعه

و) ارجاع سؤالات شیعیان به وکلا و توجیه وکلا نسبت به پرسش‌های شیعیان؛ با توجه به انحرافات و شبهات آن روز.

مبارزه با انحرافات

غالیان کسانی بودند که بر مبنایی نادرست، امامان معصوم علیه السلام را تا مقام خدایی (نعوذبالله) بالا می‌بردند. امام هادی علیه السلام ـ همانند امامان قبلی‌ـ موضع خویش را در قبال آنان روشن می‌ساخت و آنان را از گروه شیعه نمی‌دانست و حتی در نامه‌های مختلف، غالیان را افرادی مشرک و کافر معرفی می‌فرمود و بیزاری خویش را از آنان به صورت آشکار اعلام می‌نمود.[۹]

گروه دیگری از منحرفان، صوفیان بودند که معمولاً با کناره گیری از دنیا، به شکل ریاکارانه در مقابل امام هادی علیه السلام می‌ایستادند. امام هادی علیه السلام شیعیان را از نزدیک شدن و هم نشینی با آنان و ورود به جلسه هایشان به شدت برحذر می‌داشت و آنان را هم نشینان شیطان و نابود کننده پایه‌های دین و پیروان این گروه را نادانان می‌دانست و کسانی را که به آنها گرایش پیدا می‌کردند، احمق معرفی می‌فرمود.[۱۰]

تربیت نیرو و افراد شایسته

یکی از اقدامات و فعالیت‌های ائمه علیه السلام پرورش شاگردان و افراد شایسته بوده است. امام هادی علیه السلام نیز با توجه به پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف و وجود شبهات و انحرافات، نیروهایی را که استعدادهای لازم را داشتند شناسایی کرده و آنان را جهت پیش‌برد اهداف اسلامی تربیت می‌فرمودند. این افراد افزون بر راویانی هستند که سخنان و روایات امام هادی علیه السلام را نقل می‌نمودند. برخی از این افراد همان کسانی هستند که وکالت آن حضرت را عهده دار بودند. برجسته‌ترین این افراد عبارتند از:

۱٫ عبدالعظیم حسنی (ره)، که مرقد وی در شهر ری می‌باشد و از یاران امام عسکری علیه السلام بوده است.

۲٫ حسن بن راشد، مشهور به ابوعلی و وکیل امام هادی علیه السلام بوده است.

۳٫ عثمان بن سعید عمری، که از یازده سالگی در محضر امام هادی علیه السلام بود و بعدها یکی از نایبان خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شده است.

تقویت سازمان وکالت

با توجه به لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان و پراکندگی شیعیان در اقصی نقاط بلاد اسلامی و با وجود خفقان عباسی و لزوم حفظ شیعیان و از همه مهمتر با توجه به اینکه امام علیه السلام در حصر و تحت نظارت و کنترل بوده اند، خیلی از شیعیان در بلا تکلیفی به سر می‌بردند. به همین علت سازمان وکالت که به‌صورت مخفی شکل گرفته بود و از زمان امام صادق علیه السلام فعالیت خود را آغاز نمود، در دوران امام هادی علیه السلام نیاز به تمهیدات بیشتری داشت.

در زمان امام هادی علیه السلام شیعیان ایران، عراق، یمن ومصر ارتباط مستمر و خوبی با حضرت داشتند. وکلای امام علیه السلام علاوه بر جمع آوری خمس و ارسال آن به امام علیه السلام ، در مسائل کلامی و فقهی نیز نقش سازنده‌ای داشته‌اند و در جا انداختن امامت امام بعدی و ورود شیعه به عصر غیبت، تلاش خستگی ناپذیری از خود به نمایش گذاشتند. (البته گاهی افرادی از این وکلا دستخوش انحراف از خط امام علیه السلام شده و مورد تکذیب آن حضرت هم واقع می‌شدند. در این شرایط کسان دیگری جایگزین آنها می‌شدند.[۱۱])

این شبکه ارتباطی چنان اهمیت داشت که متوکل را به فکر کنترل و نابودی آن انداخت و با تشکیل نیروهایی ویژه به دستگیری، شکنجه، حبس و شهادت برخی از وکلای امام علیه السلام در نقاط مختلف اقدام کرد؛ اما موفق نشد این شبکه گسترده را از میان بردارد.

۵٫ تبیین مقام شامخ امامت از طریق زیارت غدیریه و زیارت جامعه

در زمان امام هادی علیه السلام اصل امامت باید معرفی می‌گردید؛ چون ائمه علیهم السلام و فضائل و جایگاه ایشان رو به فراموشی می‌رفت. امام هادی علیه السلام پدران و اجداد گرامی خود را با بیان زیارات معرفی می‌کردند. مجموعه این زیارات و ادعیه به عنوان یک دائره المعارف شیعه به حساب می‌آید و در بردارنده دلایل بسیار استوار در حقانیت ائمه اطهار و اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.

الف) زیارت جامعه کبیره

این زیارت از مشهورترین ، برترین و شناخته شده‌ترین زیارات ائمه علیهم السلام است. شیعیان نسبت به خواندن آن بخصوص روزهای جمعه توجه خاصی دارند. شیخ طوسی (ره) در التهذیب و شیخ صدوق (ره) در الفقیه آن نقل کرده‌اند. علامه مجلسی (ره) در مورد صحت سند آن ـ که به درجه قطع رسیده ـ می‌گوید: «این زیارت دارای بهترین سند، عمیق‌ترین مفهوم، فصیح‌ترین الفاظ، بلیغ‌ترین معناو عالی‌ترین شأن است.[۱۲] امام هادی علیه السلام در این زیارت شاخصه‌ها و پایه‌های اصلی شیعه را بیان فرمودند.

ب) زیارت غدیریه

این زیارت به زیارت امیرالمؤمنین در عید غدیر خم معروف است. در سالی که معتصم امام علیه السلام را از مدینه به سامرا فراخواند، ایشان به زیارت امام علی علیه السلام در نجف اشرف رفته و این زیارت را قرائت کردند که در ضمن آن یکصد و پنجاه منقبت از مناقب امام علی علیه السلام بیان فرموده و از برخی مشکلات سیاسی و اجتماعی که ایشان را آزرده کرده بود، سخن گفتند.

این زیارت از زیباترین، اصیل ترین، بدیع‌ترین و پربارترین زیارت هاست. در زمانی این زیارت توسط امام هادی علیه السلام قرائت شد که امامت به فراموشی سپرده شده بود. امام هادی علیه السلام در ضمن زیارت با ترسیم مظلومیت امام علی علیه السلام و هشدار به مردم، آنان را از خواب غفلت بیدار می‌کند.

امام هادی علیه السلام نیز نمونه بارزی از مردان خدایی بود که پس از تحمل زندان های مکرر و آزار و شکنجه های روحی و جسمی که در راه خدا و در مسیر ترویج مکتب ارزشمند اسلام متحمل شد، سرانجام در سال ۲۵۴ ق و در ۴۲ سالگی، به دستور معتز، سیزدهمین خلیفه عباسی و توسط معتمد عباسی به وسیله زهرْ مسموم، و در منزل خود در شهر سامرا به خاک سپرده شد.

——————————————————————————–

[۱] . شیخ مفید، ارشاد، ص۳۲۷٫

[۲] . همان، ص۳۰۷٫

[۳] . حسینی، محمدرضا، تاریخ اهل البیت علیه السلام ، ص۱۲۳٫

[۴] . مناقب آل ابی طالب علیه السلام ، ج۴، ص۴۰۱، به کوشش محمدحسین دانش آشتیانی و سید هاشم رسولی محلاتی.

[۵] . ابن جوزی، تذکره الخواص، ص۳۵۹٫

[۶] . اربلی، کشف الغمه، ج۲، ص۳۹۸؛ تحقیق سید هاشم رسولی.

[۷] . ابن طاووس، جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، ص۲۷ (به نقل از تاریخ تشیع، ج۱، ص۲۹۲).

[۸] . محمد جواد طبسی،حیاه الامام العسکری علیه السلام ، صص۳۲۵-۳۱۶ (با اندکی تصرف و تلخیص).

[۹] . اختیار معرفه الرجال، ص۵۱۹، (به نقل از تاریخ تشیع، ج۱، ص ۲۹۴).

[۱۰] . خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، صص ۱۳۵ ـ ۱۳۴، (به نقل از تاریخ تشیع، ج۱، ص ۲۹۴).

[۱۱] . رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص۵۱۳٫

[۱۲] . مزارالبحار، به نقل از باقر شریف قرشی، زندگانی امام علی الهادی علیه السلام ، ص۱۶۸٫